



گفت و گوی صبا با عوامل کنسرت
نمایش «قصه ترانه های ماندگار»

قصه ترانه های ماندگار از تاریخ موسیقی ایران

فرهوند ناظریان
گفت و گو

«قصه ترانه های ماندگار» به تهیه کنندگی آریتا مویوبی و نویسندگی و کارگردانی سیدجلال الدین دری از هشتم شهریورماه در کاخ سعدآباد (ایوان عطار) میزبان مخاطبان بود. این نمایش در هفته گذشته به اجرای خود در کاخ موزه سعدآباد پایان داد. این نمایش درباره ۶ ترانه ماندگار تاریخ موسیقی ایران است. ترانه هایی همچون «مرا ببوس»، «تنهایی»، «شاخه گل»، «زندگی»، «بار دبستانی»، «ای ایران» که در هر بخش، داستانی درباره این ترانه ها به اجرا در می آید و سپس ترانه بازخوانی می شود. باز بگران به ترتیب ورود به صحنه؛ محمد نادری، فریبا نادری، نگین خامسی، محیا دهقانی، محمد معتضدی، آرش فلاح پیشه، فرانک جواهری، نورا هاشمی، پانته آمهدی نیا، محمدرضا مالکی و سام قریبیان در نقش حسین گل گلاب سراینده ترانه جاودان «ای ایران» در این نمایش حضور دارند و هنرمندان تصویر صالح میرزا آقایی در نقش استاد روح الله خالقی، امین ایمانی در نقش استاد غلامحسین بنان نمایش داده می شود. اجرای زنده بخش موسیقی این نمایش را نیز حجت اشرف زاده و سالار عقیلی به عهده داشتند.

نورا هاشمی:

دلشوره همیشه هست...

این سبک از اجرای نمایش را دوست دارید؟

اجرای این سبک از نمایش اولین تجربه من نیست، پیش از این دو تجربه دیگر در همین سبک داشتم، بازی در کنسرت-نمایش آقای آرش عشقی در شهر زیبای رشت که با همین سبک کاری بود. در این نمایش فضای خود باغ موزه که فضایی بسیار لذت بخش و دلپذیر است، با حس و حال نمایش هایی که با حال و هوای تصانیف ماندگار پرداخته شده است، توامان در ایجاد احساس مفرح کمک کننده بود، مطمئناً وقتی ما لذت را در نگاه تماشاگران حس می کنیم برای خود ما هم اجرا در فضای باز لذت بخش می شود. استفاده از خواننده های محبوبی چون حجت اشرف زاده و سالار عقیلی، که اجراهایی بسیار حرفه ای از تصانیف ماندگار و نوستالژی داشتند هم به کار قوامی خاص بخشید.

همه می دانیم که بازی در تئاتر بسیار سخت است، با این وصف اجرا و بازی در این سبک برایتان سخت تر است یا تئاترهای که پیش از این بازی کرده اید؟

فرقی نمی کند، چون در اینجا هم بخش بازی به همان اندازه پررنگ است و باید به همان اندازه برایش تمرین می کردیم و خلاصه اینکه دلشوره ها همیشه هست. و ما تمام آن حساسیت ها که در اجرای تئاتر صحنه ای داشتیم را در این کار هم داریم.

محمد نادری:

فرمی برساخته از هنرهای که جای خالی آن حس می شود! با توجه به اینکه این نمایش در سبک متفاوتی اجرا می شود، چه تجربه خاصی را برای شما رقم زده است؟

هر اثری با توجه به جهانی که خلق می کند، برای من متفاوت است. اما این شکل از نمایش که هم موزیک زنده دارد و هم خود خواننده

محبوبی در بین اپیزودهای نمایشی اجرا داشته باشد را من تا بحال تجربه اش نداشتم. و در ابتدا مقداری هم نسبت به آن دافعه داشتم و برایم مجهول بود، اما با حضور در کنار گروه متوجه شدم که این شکل از نمایش که تلفیقی از کنسرت و نمایش است هم مخاطب دارد و برای مردم هم جذاب بود و دوست داشتند.

آیا حس می کنید این مدل نمایشی، می تواند به عنوان یک رویکرد نوین در هنر نمایش و موسیقی ادامه داشته باشد؟

به خاطر خالی بودن خیلی از سبک های شناخته شده در عرصه هنر و فرهنگ ماست که به سمت این مدل های نمایشی سوق داده می شویم. یعنی چنانچه ما می توانستیم هنر نمایش موزیکال، باله و اپرا را در ساختار درستش داشته باشیم، دیگر لازم نبود سبک های اجرایی را با تغییراتی در ساختار بر روی صحنه ببریم. متأسفانه در ایران بسیاری از سبک های اجرایی و نمایشی قابلیت اجرایی شدن نمی یابند، هنرهای مانند نمایش موزیکال، باله و اپرا در عرصه فرهنگ و هنر ما جایگاهی ندارند. با این وصف کارگردانان ناگزیرند رویه ای از این سبک های نمایشی را با تغییراتی در ساختار بر روی صحنه ببرند. بنابراین همه اینها می آیند و با تغییراتی در شکل و ساختار به فرم های نمایشی دیگر بدل می شوند! اگر واقعاً تمام فرم های نمایشی دنیا را که بنا به دلایل خاصی ما سالها از آن محروم هستیم اجازه اجرا و حضور می یافتند، شاید دیگر اصلاً نیازی به این شکل کار نبود. فرم این نمایش بیشتر شبیه به فرم برساخته ای است که فعالان تئاتر و موسیقی را برای انجام یک کار مشترک گرد هم آورده است. گویا تئاتری ها با فعالان موسیقی وقتی به این جمع بندی رسیده اند که نمی توانند یک اپرا را درست را بر روی صحنه ببرند، این فرم برساخته را جایگزین کرده اند و پیش از این نمونه ای از این سبک اجرایی در تاریخ فرهنگ و هنر جهان وجود ندارد. اما بهر حال یک تجربه ناب است و می تواند جای خالی سبک های مهم نمایشی در جهان را برای مخاطب ایرانی تا حدودی پر کند.

آرش فلاح پیشه:

ترانه های که برای همه مردم ایران خاطره انگیز است درباره تجربه نوین و حضورتان در کنسرت نمایش قصه های ماندگار بگوئید؟

البته این تجربه کاملاً نو نیست و بارها از این دست سبک های اجرایی، اتفاق افتاده است. هنر موسیقی و تئاتر پیوندگان محکمی با هم دارند و این کنسرت-نمایش از آن حیث که با خاطرات و نوستالژی های مردم سر و کار دارد، بسیار برای مخاطب جذاب است و بار مسئولیت آن را برای ما مهم تر و حساس تر می کند. به همین خاطر پرداخت و در آوردن ظرافت های شخصیت های نمایشی و دراماتورژی ای که بتواند با تصنیف ها و آهنگ ها هماهنگ باشد در اولویت ما بود، به این جهت که این تصنیف و ترانه ها برای همه مردم ایران خاطره انگیز و ماندگار است و هدف از تلفیق این آهنگ ها با اپیزودهای نمایشی این بود که بتوانیم برای هر یک از آنها ارزش افزوده ای را بیافرینیم. فضای کاخ موزه سعدآباد و پروداکشن صحنه هانی در همین راستا در تلاش است که حس و حال خوبی را برای تماشاگر رقم بزند.

محمدرضا مالکی:

تصوری از تلفیق این دو هنر نداشتم...

با توجه به باز خورد های که استقبال مخاطب از این نمایش داشته است، آیا فکر می کنید این سبک از اجرای نمایشی می تواند ادامه دار باشد...

۲۲ سال است که در عرصه نمایش فعالیت می کنم و کنسرت-نمایش اولین تجربه من در این حوزه بوده است. حقیقت در ابتدای کار هم هیچ تصویری از اینکه قرار است چه اتفاقی بیفتد، نداشتم. حدس میزدم که تماشاگر بیشتر برای دیدن کنسرت و شنیدن موسیقی خواهد آمد تا دیدن نمایش! یا بالعکس تنها به دنبال نمایش خواهد بود، تا اجرای خوانندگی! یعنی تصویری از تلفیق این دو در جهت خوشایند تماشاگر نداشتم. اما بعد از اینکه اثر اجرایی شد و بر روی